

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ جنوری ۲۰۲۰

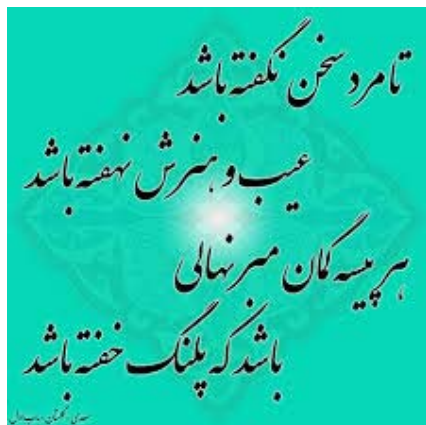
## "غنی احمدزی" و انگور ترش وی!

پنجشنبه- ۰۳ دلو ۱۳۹۸ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که "غنی احمدزی" بعد از یک ماه چله نشینی و سکوت و مطالعه هدفمند و دوامدار به خصوص در زمینه آشنائی با تاریخ و فرهنگ افغانستان و با ورق زدن "تاریخ بیهقی" توأم با لبخند تمسخرآمیز بر دهان، حین شرکت در اجلاس "داووس" یکی از شهرهای سویس در مورد "حامدکرزی" و "عبدالله عبدالمود" گفت: "دستتان به انگور نمی‌رسد، می‌گویید انگور ترش است"

در یادداشت امروز مکث کوتاهی در باب همین ضرب المثل و میزان بی اطلاعی الاغ دوم و مغز متعفن جهان از تاریخ، فرهنگ و ضرب المثل ها که بازتاب شناخت برخاسته از پراتیک خلق ماست، خواهیم داشت. اما قبل از آن با وضاحت و صراحت کامل باید نوشت: نقد از "غنی احمدزی" و درجه بلاهت وی را گوشزد نمودن، نباید به هیچ وجه به معنای حمایت از "حامدکرزی" و "عبدالله عبدالمود" تلقی گردد، زیرا آنها هرچند ممکن است از افغانستان بیشتر از وی شناخت داشته باشند، مگر بیگانگی شان با منافع ملی ما و حفظ آن منافع به هیچ وجه کمتر از "غنی احمدزی" نیست.

هموطنان گرامی!

یادداشت را با دو بیتی از سعدی آغاز می‌نمایم که اگر کاستی‌های آن از بابت دید تاریخی اشتباه آمیز مرد سالارانه اش نادیده گرفته شود، مطمئناً به کار بستن آن به حفظ آبروی فرد منجر خواهد شد.



۱- برای این که به اعجوبه بلاهت و نادانی بفهمانیم، ناگزیریم بحث ما را نخست از بیان اصل ضرب المثل آغاز نمایم. ضرب المثل چنین است:

"دستش به آلو نمیرسه، میگه آلو ترش اس"

از مقایسه اصل ضرب المثل با آنچه "غنی احمدزی" برای خارجی ها اظهار فضل نموده، متوجه می‌شویم:

اولاً که مسأله ترشی "انگور" مطرح نیست، بلکه ضرب المثل ترش بودن "آلو" را در نظر دارد، در ثانی در ضرب المثل طرف شخص غایب است که می‌تواند میلیون ها انسان را احتوا نماید، نه مخاطب که در بهترین صورت جمع کوچکی را نمایندگی می‌نماید.

هموطنان گرامی!

از همه مهمتر در این مورد، نا مشخص بودن همان "انگور" است که "غنی احمدزی" می خواهد بگوید دست خودش بدان رسیده است. در اینجا معلوم نیست که "انگور" صلح است و یا طالب و یا چاکری استعمار زیر نام قدرت؟ اگر انگور "صلح" باشد، این اوست که عملاً جهت دوام قدرتش علیه آن موضع می گیرد، حتا در همین مصاحبه هم رسماً می گوید که اگر آتش بس را نپذیرند نمی گذارم زیر نام صلح به قدرت برسند. "غنی احمدزی" با این حرف خود آگاهانه و یا نا آگاهانه به طالب پیشنهاد می دهد، که آتش بس را بپذیر من قدرت را دو دسته تقدیمت می کنم. هرگاه انگور طالب باشد، معلوم است که برای طالب هر سه نفر ارزش بیشتر از کاغذ تشناب را ندارد. از همین رو به جای صحبت با آنها با بادران شان مغازله و معافه دارند و اگر منظور قدرت باشد، می باید انسان تا آخرین درجه پست باشد که به قدرت پوشالی افتخار نماید.

هموطنان گرامی!

این را نمی دانم که شما چه فکر می کنید، مگر بی پروا اعلام دارم: ضرباتی را که امپریالیسم در کل از خلق افغانستان خورده و به گفته مردم کابل "شاخش را شکستاده" اند، آنچنان کینه و نفرتی را نسبت به ما در ذهن همه آنها به وجود آورده که هیچ داروی مسکنی نمی تواند آن درد را درمان و حد اقل تسکین دهد، از همین رو به مثابه یک حرکت انتقامی، خری را در هیأت و قواره "غنی احمدزی" بر ۳۵ میلیون انسان حاکم ساخته است تا انتقام تحقیری را که از جانب مردم ما شده است، از خلق ما بستاند.

هموطنان گرامی!

هر روز و هر لحظه عمر بیشتر نمودن دولت دست نشانده، اهانت و توهین آشکاریست علیه تمام مردم آزاده و زنجیر گسل افغانستان.

**سرکها ما را می طلبد!**